

آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۵
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۹

۲۱۹

دوماهنامه
آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

سیدعلی میرافضلی | والتر برونو هنینگ / سید احمد رضا قائم مقامی | امید حسینی نژاد | مجید جلیسه
حبیب الرحمن شروانی / شیوا امیرهدایی | آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی | کمال الدین دعایی | میلاد بیگدلو
حیدر عیوضی | علی راد | اصغر ارشاد سربابی | منوچهر فروزنده فرد | محمّد جوکار باصری | مهدی مهریزی
محمد هادی توکلی | رضا استادی | سیدعلی کاشفی خوانساری | سعید مهدوی فر | جویا جهاًنبخش
فرهاد طاهری | رسول جعفریان

فهرست شاعران سفینه رباعیات استانبول: دستنویس شماره ۱۲۰۳ کتابخانه دانشگاه استانبول
| دو خطا در روایات عربی در باب مانویّت | خراسانیات (۹): تحفه ای گرانقدر از میراث گمشده صاحب بن
عباد در نیشابور قرن چهارم قمری | چاپ نوشت (۲۴): رسانه چاپ و بازآرایی منازعات فرقه ای در شبه قاره
هند؛ مطالعه موردی تحفه اثناعشریه، صوارم الالهیات و حسام الإسلام | مطالعات زبان و ادب فارسی در
شبه قاره (۳): قصاید مطهر | یادداشت های لغوی و ادبی (۸): درباره «ایش» و «ایش شاء الله» و «ایشالا»
| اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر: مقاله نهم، اشعار نویافته از ابراهیم
پورداوود | مجموعه های ویراسته در نشر دانشگاهی: راهنمای جامع گونه ها | قطعه ای از تاریخ ترجمه
عربی به فارسی | آینه های شکسته (۱۴): «مُسَوِّمین» (آل عمران: ۱۲۵) در ترجمه های قرآن؛ رویکرد ریشه
شناختی در برابر داستان سرایی | طومار (۱۶): نردبان شکسته (۹): تحلیل انتقادی مصادر اسطوره حفظ
نقد و بررسی کتاب مجمع النوادر (کتابی از میراث داستانی شبه قاره) | درباره «نگاهی به واژگان لغت
فرس» | نقدی بر مقاله «امامت و ولایت در محقق ترجمه ای جدید از قرآن کریم» | نگاهی تحلیلی به
کتاب موسوعة المباحث الاصولية و ادلتها | بررسی انتقادی «سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران»
| کتابشناسی جامع آیت الله رضا استادی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ حسرت تمدنی و ایدئولوژی احیا در یک منظومه فارسی شبه قاره

Ayeneh-ye-

Pazhoohesh

Vol.37, No.3

Aug - Sep 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

219

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش
Jap.isca.ac.ir

قطعه‌ای از تاریخ ترجمه عربی به فارسی

نسخه هدائی افندی

به یاد آذرتاش آذرنوش

میلاد بیگدلو^۱

| ۱۹۳ - ۲۱۰ |

۱۹۳

آینه پژوهش | ۲۱۹

سال ۳۷ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۵

چکیده: ترجمه‌های قدیم قرآن منابعی ارزشمند برای درک تحولات ترجمه‌ای و زبانی در ایران پس از اسلام است. یکی از کهن‌ترین ترجمه‌های کامل و خالص و تاریخ‌دار قرآن نسخه‌ای است به تاریخ ۶۲۱ هجری که در کتابخانه هدائی افندی استانبول نگهداری می‌شود. در مقاله حاضر، این نسخه معرفی و سپس ویژگی‌های کتابت و زبان و ترجمه آن بررسی شده است. در بخش بررسی زبانی، به برخی از عناصر محلی و کهن و نیز خصائص آوایی زبان منعکس در این ترجمه اشاره شده است. بررسی ترجمه‌ای نشان می‌دهد که شیوه غالب این ترجمه، برگرداندن لفظ به لفظ و پیروی از نحو عربی است. در مواردی، مترجم از شیوه اصلی روی گردانده و در مواردی نیز عباراتی را، احتمالاً با نظر به تفاسیر قرآن یا تحت تأثیر باورهای خود، به متن افزوده است. در برخی مواضع، لغاتی ترجمه نشده و بخش‌هایی به شیوه تفسیری برگردانده شده که نشان‌دهنده راهبردهای مترجم و نیز دشواری‌های ترجمه قرآن به فارسی است. نتایج حاصل از این مطالعه موردی، ارزش این نسخه را در درک بهتر بافت تاریخی و ترجمه‌ای و زبانی ترجمه‌های قدیم قرآن به فارسی، و دشواری‌ها و چالش‌های عمل ترجمه را در ادوار متقدم ایران پس از اسلام می‌نمایاند.

کلیدواژه‌ها: ترجمه‌های قدیم قرآن به فارسی، نسخه هدائی افندی، ترجمه عربی به فارسی، ویژگی‌های زبانی، تفاسیر کهن قرانی.

A Mosaic of Arabic-Persian Translation History: Codex Hudā'i Efendi
Milad bigdeloo

Abstract: Early Persian translations of the *Qur'ān* are invaluable resources for understanding linguistic and translational developments in post-Islamic Iran. This study examines the Codex Hudā'i Efendi, an Early New Persian translation of the *Qur'ān*, dated 621AH/1224 and housed in the Hedā'i Efendi Library in Istanbul. As one of the earliest complete and pure Persian renditions of the *Qur'ān*, the manuscript is introduced and analyzed in detail for its translational features, with its linguistic characteristics briefly explored. The study identifies archaic and regional terms and touches on phonological features. The translational analysis reveals a predominantly word-for-word approach, maintaining the original Arabic syntax, with occasional modifications and additions likely influenced by Qur'anic exegeses or the translator's personal beliefs. Instances of untranslated words, incorrect translations, and interpretative modifications shed light on the translator's strategies and the challenges of rendering the *Qur'ān* into Persian. As a case study, this research highlights the manuscript's significance in understanding the historical, linguistic, and translational context of early Persian *Qur'ān* translations, showcasing the complexities and challenges of translation practices in early post-Islamic Iran.

Keywords: Early Persian *Qur'ān* Translations, Codex Hudā'i Efendi, Arabic-Persian Translation, Linguistic Features, Qur'anic Exegesis.

۱. این نوشته تحریر فارسی، با اندکی تغییرات، مقاله‌ای از نگارنده است:

Bigdeloo, M. (2025). A Mosaic of Arabic-Persian Translation History: Codex Hudā'i Efendi. *Iranian Journal of Translation Studies*, 22(88), 82-102.

۱. مقدمه

پس از فتح ایران به دست مسلمانان، زبان عربی زبان رسمی این سرزمین شد. با گسترش اسلام فراتر از حجاز و به سرزمین‌های دیگر، بر نومسلمانان و نیز بر پیروان ادیانِ نیاکانی‌شان که با پرداخت جزیه دین خود را نگاه داشته بودند، لازم شد که با قرآن و احکام آن آشنا شوند. همین ضرورت ایرانیان را بر آن داشت که به ترجمه قرآن و تدوین فرهنگ‌های عربی به فارسی دست یازند. این دو گونه متن - یعنی ترجمه‌های قرآنی و آثار فرهنگ‌نگاری - از آن رو بسیار ارزشمندند که شمار زیادی از واژه‌های فارسی متروک را در خود نگاه داشته‌اند و امروز تنها از رهگذر همین اسناد باز یافتنی‌اند. افزون بر این، چنان‌که بادی (۱۳۹۷، ص ۵۱)، فرهنگ‌نویس سده ششم، درباره ترجمه‌های فارسی روزگار خود یادآور شده‌است، هر کدام از آن‌ها به «زبان اهل قُطری است» و دریافتن و دانستن این نوشته‌ها برای «اهل دیگر اقطار» دشوار است. از آن‌جا که مترجمان و مؤلفان این آثار تحت تأثیر گویش‌های محلی زمان و مکان خویش و نیز چارچوب‌های تفسیری شخصی خود بوده‌اند، یک واژه واحد عربی غالباً در این متون معادل‌های فارسی متعدد و متنوعی می‌یابد.

بررسی ترجمه‌های کهن قرآنی از این رو دریچه‌ای است به چگونگی دریافت و تفسیر قرآن در روزگاران و نواحی گوناگون. افزون بر این، چنین بررسی‌هایی بر شیوه‌ها و قراردادهای ترجمه‌ای آن دوران، و نیز بر بافت جامعه‌شناسی‌زبانی ایران سده‌های نخستین اسلامی، پرتو می‌افکند. یکی از این آثار گران‌بها، قرآن مترجم خالصی - یعنی مشتمل تنها بر ترجمه، بدون هیچ شرح و تفسیری - است که اکنون در کتابخانه هدائی افندی استانبول نگهداری می‌شود. این پژوهش رویکردی میان‌رشته‌ای برمی‌گزیند و تحلیل نسخه‌شناختی، رسم‌الخطی، زبانی و ترجمه‌ای را برای بررسی نسخه هدائی افندی در کنار هم می‌نهد. نخست، ویژگی‌های نسخه‌شناختی و رسم‌الخطی دست‌نویس، برای تعیین بافت تاریخی و مادّی آن، ارزیابی می‌شود؛ سپس بررسی کوتاهی از ویژگی‌های زبانی منعکس در ترجمه می‌آید. در تحلیل ترجمه‌ای، این پژوهش به شیوه ترجمه دست‌نویس، از جمله پای‌بندی آن به نحو عربی، تأثیرپذیری از تفاسیر، و موارد تغییر یا حذف می‌پردازد. توجه ویژه‌ای نیز به رده‌بندی راهبردهای ترجمه‌ای، مانند بیش‌ترجمه و افزوده‌های مترجم، معطوف شده و در پی آن، بخشی مستقل به «خطاهای واضحاً غلط» (overtly erroneous errors)، که اصطلاحی است ساخته جولین هاوس اختصاص یافته‌است.

۲. ترجمه‌های کهن، خالص و تاریخ‌دار کاملِ قرآن به فارسی

شمار ترجمه‌های کهن قرآن به فارسی که هم خالص - یعنی مشتمل تنها بر ترجمه، بدون شرح - و هم به‌طور کامل تاریخ‌دارند نسبتاً اندک است. تا آن‌جا که نگارنده آگاه است، کهن‌ترین ترجمه‌های خالص و تاریخ‌دار قرآن به فارسی که تاکنون یافت شده (پیش از نقطه عطف تاریخی حمله مغول) از این قرارند:

۱. کهن‌ترین ترجمه: کهن‌ترین ترجمه کامل قرآن به فارسی، دست‌نویسی است مورخ به سال ۵۴۶ هجری که به دست ابوالفخر زعفرانی کتابت شده است (تصویر ۱.۱). این دست‌نویس هم‌اکنون در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود.^۱ چنان‌که صادقی (۱۳۹۷، ص ۸) خاطرنشان کرده، این ترجمه از منظر زبانی، شباهت‌های چشم‌گیری با ترجمه سوراآبانی (که به سوراآبادی مشهورتر است) و تفسیر شنقشی دارد. بنابراین به احتمال زیاد، این ترجمه در نواحی نیشابور پدید آمده است.

۲. ترجمه دوم: دومین دست‌نویس درخور توجه، به شماره ۹۶۸۰ فهرست شده و مورخ ۵۵۵ هجری است. این نسخه در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (تصویر ۱.۲). بررسی‌گزینه‌های واژگانی آن نشان می‌دهد که این ترجمه بازتاب‌دهنده زبان ماوراءالنهر است و به احتمال قوی در همان ناحیه پدید آمده است.^۲

۳. ترجمه سوم: سومین دست‌نویس، به شماره ۶۶۱، مورخ به ۱۳ صفر ۵۵۶ هجری است. این نسخه را ابوعلی حسن بن محمد بن حسن خطیب در نزدیکی شهر ری کتابت کرده و اکنون در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود (تصویر ۱.۳). این ترجمه به‌کوشش محمدجعفر یاحقی در سال ۱۳۶۴ تصحیح و منتشر شده است.

نسخه هدائی افندی، که در سال ۶۲۱ کتابت شده، بدین‌سان فعلاً چهارمین ترجمه خالص و کامل تاریخ‌دار از قرآن کریم به‌شمار می‌آید.

۱. درباره این ترجمه کهن، نک. کریمی‌نیا، ۱۳۹۸.

۲. ویژگی درخور ذکر دیگر این دست‌نویس آن است که لغات ۱۳۰ صفحه نخست آن مشکول است و از این‌رو، در رسیدن به شیوه تلفظ رایج در روزگار و منطقه مترجم راهگشا است. افزون بر این، حرف کاف غالباً با سه نقطه در بالای آن مشخص شده تا صدای /g/ را، در تمایز از /k/، بازنماید.



۱۹۷

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

تصویر ۱. قرآن زعفرانی (موزه رضا عباسی، تهران، ۵۴۶ ق، برگ پایانی؛ برگرفته از کربمی نیا، ۱۳۹۸؛ ۲). ترجمه قرآن، نسخه شماره ۹۶۸۰ (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ص ۸۹؛ ۳). ترجمه قرآن، نسخه شماره ۶۶۱ (کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ص ۲۴۸)



تصویر ۲. ترجمه قرآن، کتابخانه هدائی افندی، نسخه شماره ۲۰، برگ نخست

۳. ترجمه قرآن نسخه هدائی افندی

۳.۱. نسخه

این دست‌نویس در کتابخانه هدائی افندی استانبول نگهداری می‌شود و متن کامل قرآن را همراه با ترجمه میان‌سطری فارسی، در ۳۳۸ صفحه، در بر دارد. هر صفحه ۲۲ سطر دارد؛ ۱۱ سطر متن قرآن، به خط درشت‌تر، و ۱۱ سطر ترجمه فارسی، به خط نستعلیق‌گونه نسخ. چنان‌که در تصاویر دست‌نویس دیده می‌شود، هم متن عربی و هم ترجمه فارسی آن با مرگبی قهوه‌ای، به احتمال زیاد قهوه‌ای گردویی، نگاشته شده‌است.

عنصر تزئینی این دست‌نویس، نقش مایه‌ای دایره‌ای قهوه‌ای مایل به زرشکی است که در حاشیه هر صفحه دیده می‌شود (تصویر ۲). قرائات مختلف در متن عربی نیز در حاشیه‌ها بازتاب یافته‌اند. (جعفری تبار و حاجیان‌نژاد، ۱۴۰۲، به قرائت‌های منعکس در این نسخه پرداخته‌اند.) حاشیه دو برگ نخست با قابی سرخ و قهوه‌ای آراسته شده‌است.

به نظر می‌رسد این دست‌نویس در مقطعی مرمت شده باشد (گویا به دست کتابداران)، هرچند این مرمت به شیوه‌ای ناشیانه صورت گرفته‌است. در نتیجه، سطرهای آغازین هر صفحه زیر وصله‌هایی پنهان و ناخوانا شده‌اند. افزون بر این، بخش‌هایی از متن، به ویژه متن سوره فاتحه، رنگ پررنگ‌تری نسبت به دیگر بخش‌ها دارند. این امر نشان می‌دهد که متن در طول زمان دستخوش سایش و پاک‌شدگی چشم‌گیری شده و کوشش‌هایی برای پررنگ کردن دوباره این بخش‌ها صورت گرفته‌است. همچنین به احتمال زیاد، دست‌کم دو برگ - که اکنون مفقودند - پیش از آغاز سوره فاتحه وجود داشته‌اند. فقدان برگ‌های آغازین از این رو درخور توجه است که ممکن است در بردارنده نگاره‌ها و تزئینات، و نیز اطلاعاتی درباره مالک یا سفارش‌دهنده دست‌نویس، یا - با احتمال کمتر - دیباچه یا یادداشتی از مترجم بوده باشند.

در آغاز هر سوره، اطلاعاتی به فارسی آمده که نام سوره، شمار آیات و کلمات، و نیز فضایل و خواص آن سوره را بازمی‌گوید. ساختار متنی-زبانی این ترجمه نشان می‌دهد که این اثر نیز، همچون بیشتر ترجمه‌های هم‌روزگار خود، هدفی هنجاری (تجویزی) دنبال نمی‌کند. هرچند به نظر می‌رسد معادل‌های شمار قابل توجهی از اصطلاحات دینی پیش از این ترجمه از قبل تثبیت شده بوده، زبان این اثر در وهله نخست برآمده از کاربرد زبانی مترجم و/یا جامعه کاتب است. این پدیده در دیگر ترجمه‌های تاریخی نیز، مانند ترجمه هفتادگانی یونانی، دیده می‌شود (نک. Joosten, 2007; Aejmelaeus, 2013) از این رو، برخلاف متون معیارشده، ناهم‌سانی‌های درونی این ترجمه، بینشی ارزشمند درباره سیر تحول زبان فارسی و شیوه‌های ترجمه در اختیار می‌گذارد.

هرچند نام کاتب در انجنامه متأسفانه ناخوانا است، تاریخ کتابت روشن است (تصویر ۳):

وَقَعَ الْفَرَاغُ مِنْ تَخْرِيرِ هَذَا الْمُصْحَفِ الْجَامِعِ فِي أَوَاخِرِ مَا هِ صَفَرُ خَتَمَ اللَّهُ بِالْخَيْرِ مِنْ شُهُورِ سَنَةِ
اِخْدَى وَعِشْرِينَ وَسِتِّمِائَةٍ.

از این رو، نمی‌توان به ضرس قاطع گفت که آیا کاتب همان مترجم نیز بوده است یا نه. بنابراین، هر خطایی که در ترجمه یافت شود (نک. بخش ترجمه) لزوماً بازتاب دهنده خطای خود مترجم نیست و ممکن است بتوان به کاتب نسبت داد^۱.



تصویر ۳. ترجمه قرآن، کتابخانه هدائی افندی، نسخه شماره ۲۰، برگ پایانی

۱. کاربرد واژه فارسی ماه به جای واژه عربی شهر در فرمول‌های تاریخ عربی، تداوم تأثیر زبان فارسی بر جهان عرب را در دوران اسلامی نشان می‌دهد. برای نمونه‌های بیشتر از این پدیده، نک Blair, 1998, p. 219 و Minorsky, 1942, p. 184 و افشار، ۱۳۸۸، بخش ۱۴۲۰ و ۱۴۴۱ (عکس کتیبه سنگ قبر در افشار، ۱۳۸۸، بخش ۱۴۷۹ گنجانده شده است.) و نیز کتیبه‌های توران پشت از سده‌های سوم تا پنجم هجری (توران پشتی، ۱۴۰۲، صص ۴۹۱-۴۹۲). نیز قس کاربرد همین واژه ایرانی ماه در یک کتیبه آرامی-ایرانی که به جای واژه آرامی ماه (yārḥ) آمده است:

B 'LWL m'h ŠNT 16

«در ماه الول، سالی شانزدهم» (Humbach, 1974, p. 242).

۳.۲. ویژگی‌های رسم الخطی

- در این دست‌نویس، همچون بیشتر دست‌نویس‌های کهن فارسی، ژ همواره با سه نقطه بازنموده شده است، چنان‌که مثلاً در کژ (برگ ۲۲۷ پ) و کژی (برگ‌های ۱۶۲ پ، ۳۱۴ پ) و ازدها (برگ ۲۰۳ ر) و ژرف (برگ ۲۱۰ ر) و کژ «درخت گز» (برگ ۲۳۷ ر) و ازک (برگ ۳۲۷ ر).
 - چ و ج از هم بازشناخته نشده است و هر دو با یک نقطه نوشته شده است.
 - ک و هم گ به یک شکل نوشته شده است.
 - پیشوند نهی مَ در چند مورد به کار رفته و به صورت جدا، یعنی مه + فعل، نوشته شده است، چنانکه در مه فریبد (برگ ۲۲۸ پ).
 - پیشوند نفی همواره به فعل می‌چسبد.
 - پسوند جمع -ها همواره به اسم می‌چسبد.
 - های ناملفوظ معمولاً هنگامی که پسوند جمع -ها پس از آن بیاید حذف می‌شود؛ برای نمونه، کاسها) به جای کاسه‌ها ((برگ ۲۳۷ ر) و چشمها) به جای چشمه‌ها) (برگ ۲۵۴ پ).
 - که (حرف ربط) معمولاً جدا نوشته می‌شود، به صورت کافی با دنباله باز رو به چپ یا که یا کی، هرچند در چند مورد به لغت بعدی چسبیده است.
 - پ معمولاً با یک نقطه نوشته شده و از این رو از همتای واک‌دار خود بازشناخته نمی‌شود. در چند مورد، اما، با سه نقطه مشخص شده است، چنانکه در پدر (برگ ۳۳۳ ر) و پشت (برگ ۳۳۳ ر) و پیراکنید (برگ‌های ۳۰۹ ر، ۳۰۹ پ).
 - قاعده دال و ذال رعایت شده است. با این همه، استثنائایی نیز دیده می‌شود، مانند پاداش (برگ ۳۳۱ ر).
 - حرف الف در این دست‌نویس به ندرت مَدّ می‌گیرد.
 - پیشوندهای استمراری می (به ندرت) و همی همواره جدا از فعل نوشته شده است.
 - سرخ در این دست‌نویس، چنانکه در برخی متون کهن فارسی، با صاد نوشته شده است.
- این دست‌نویس از خطاهای کتابتی نیز خالی نیست. برای نمونه، عبارت «گفت که آنکه کن یاذ» (برگ ۱۴۵ پ) در ترجمه «واِذْ قَالَ» دوبار نوشته شده است. به همین سان، عبارت «ویرا کوید» نیز در ترجمه «يَقُولُ لَهُ» دوبار نوشته شده است.

۳.۳. زبان

در این بخش تنها به چند نکته زبانی مهم این دست‌نویس پرداخته می‌شود که ممکن است در فهم سیر تحوّل زبانی و گوناگونی منطقه‌ای فارسی نو متقدم سودمند باشد.

۱. ویژگی‌های واژگانی: این ویژگی‌ها شامل کاربرد گسترده لغات کهن و محلی است، مانند گه‌ان < فارسی میانه gēhān و تاسینگی «اندوه‌گینی» و جاردن، در ترجمه مشتقات ریشه عربی فصل هم‌ریشه با «-wizār جدا کردن» فارسی میانه^۱. همچنین، پیش فعل/حرف اضافه ها-، با h- از *fr- (درباره آن، نک. بیگدلو، ۱۴۰۴، فصل ۱۵)، در کنار صورت متداول تر فرا- در این ترجمه به کار برده شده است (برای توجیه این ناهم‌سانی، نک. نتیجه‌گیری).

۲. ویژگی‌های آوایی: شواهدی از تحوّل آوایی دیده می‌شود، از جمله: ادغام: ت-ت > ت (مانند بدتر > بتّر؛ قیاس کنید با /watar/ $\omega\alpha\tau\alpha\rho o$ بلخی)؛ کوتاه‌شدگی: آ > ا (مانند پاداش > پادش)؛ کشیدگی: آ > آ (مانند پدر > پدار)؛ ابدال‌هایی چون ب > و، ه > ی، و مانند آن؛ حذف، چنان‌که در افتادن هم‌زمانی ā در واژه‌دهنده دیده می‌شود.



تصویر ۴. ترجمه قرآن، کتابخانه هدائی افندی، نسخه شماره ۲۰، برگ ۲۰۰

۱. این فعل، با همین معنا، در صیغه مجهول و با ابدال /w/ آغازین (به /b/ یا /β/) - یعنی בי בזארהינד - که در ترجمه تفسیر یهودی-فارسی کهن کتاب حزقیال به کار رفته است (متن: Gindin, 2007, vol. 1, p. 223؛ ترجمه: Gindin, 2007, vol. 2, p. 378).

سון گوسپندان יך אזור בי בזארהינד ... נגאה אברשאן המי כוניד.

«چون گوسپندان یک از یک بی بزارهند [= از یکدیگر جدا شوند] ... نگاه ایشان همی کنید».

این فعل با تفصیل بیشتر در نوشته‌ای دیگر (بیگدلو، ۱۴۰۳، بخش ۳۲) بررسی شده است.

۳.۴. ترجمه

۳.۴.۱. روش ترجمه

مترجم در غالب موارد، روشی لفظ به لفظ برمی‌گزیند و هر واژه قرآن را با معادل فارسی آن، درست زیر واژه عربی، می‌نویسد (تصویر ۴). از نظر نحوی نیز ترتیب واژگانی متن مبدأ حفظ می‌شود. در نتیجه، ترجمه در قیاس با ساختار جملات معیار فارسی غالباً ناهم خوان و نادستوری می‌نماید. چنان‌که لازار (به نقل از Filippone, 2011, p. 225) اشاره کرده است، ترجمه‌های میان‌سطری کهن قرآن به فارسی برای قرائت به عنوان متونی مستقل و معیار فارسی فراهم نشده بوده‌اند.^۱ این ترجمه‌ها در عوض، ابزارهایی کمکی برای شرح متن قرآنی بودند و از این رو، در وهله نخست کارکردی آموزشی داشتند. در همین راستا، وی پیشنهاد می‌کند که مترجمان ترجمه‌های کهن قرآن به فارسی را دقیق‌تر بتوان «لغت‌گزار» نامید تا «مترجم».

شیوه ترجمه لفظی یا لفظ به لفظ از قدیم در برگردان متون مقدس در فرهنگ‌های گوناگون به کار رفته است؛ از جمله در چین (Cheung, 2014)، در جهان غرب (Amos, 1920, pp. 49-80)، و نیز میان اعراب (Abdulla, 2021, pp. 94ff). در ایران نیز در ترجمه اوستا عمده‌تأ این شیوه برای ترجمه متون اوستایی به کار می‌رفت. چنان‌که ماتسوخ (Macuch, 2009, p. 128) شرح می‌دهد، بخش عمده زند برجای مانده متون اوستایی «ترجمه‌ای واژه به واژه و کاملاً وفادار به اصل است که در آن مترجم می‌کوشد ترتیب دقیق واژگان متن اوستایی را، با کم‌ترین تغییر ممکن و در انطباق با دستور و نحو پهلوی، حفظ کند».

گزینش این شیوه، جدا از کارکرد آموزشی آن در یاری قرآن‌آموزان، در قداست این متون مبدأ نیز ریشه دارد. مترجمان می‌کوشیدند تا معنای اصلی را تا آن جا که ممکن است دقیق نگاه دارند تا از اتهام بدعت و کفر در امان بمانند. شاهدی گویا از تأثیر این علت قولی است که در الفهرست ابن ندیم (۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۳۱) از مترجمی به نام احمد بن عبدالله بن سلام^۲ نقل شده است:

تَرْجَمْتُ صَدْرَ هَذَا الْكِتَابِ وَالصُّحُفَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَكُتُبَ الْأَنْبِيَاءِ وَالتَّلَامُذَةَ مِنْ لُغَةِ الْعِبْرَانِيَّةِ وَالْيُونَانِيَّةِ وَالصَّابِيَةِ [...] حَرْفًا حَرْفًا وَلَمْ أَبْتَغِ فِي ذَلِكَ تَحْسِينَ لَفْظٍ وَلَا تَزْيِينَهُ مَخَافَةَ التَّحْرِيفِ.

۱. یادآور دیدگاه کمپ (به نقل از Reiß, 1971, p. 100) درباره ترجمه میان‌سطری به طور کلی است که می‌گوید این گونه ترجمه‌ها «تنها هستی سایه‌واری دارند و هرگز بی‌حضور اصلی متن، که در خدمت آنند، ظاهر نمی‌شوند».

۲. به نظر کراچکوفسکی (به نقل از Metzger, 1974, p. 159)، که این بخش از الفهرست را بررسی کرده، ابن ندیم شاید این مترجم را با عبدالله بن سلام (م. ۶۶۳ میلادی)، یهودی نومسلمان، اشتباه گرفته باشد.

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، این رویکرد در مواردی به جملاتی انجامیده که از نظر نحوی نامأنوس و ناهنجار می‌نماید؛ برای نمونه:

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (قرآن، ۲:۲۴۳)
ولیکن بیشترین مردمان نكند شكر. (برگ ۲۵ پ)
إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (قرآن، ۲۴:۲)
اگر هستيد كه بگرويد به خدای. (برگ ۱۹۳ ر)

با این همه، در مواردی، مترجم از شیوه سخت‌گیرانه لفظ به لفظ روی برتافته تا ترجمه‌ای طبیعی‌تر و همسو با هنجارهای سبکی فارسی پدید آورد. برای نمونه، عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» به «ای مؤمنان!» (برگ‌های ۵۹، ۶۲، ۶۷ پ، ۶۸، ۷۰ پ، ۷۲ ر) برگردانده شده است. این انحراف را می‌توان گونه‌ای از راهبردی دانست که با اصطلاح کلی «جابه‌جایی» (transposition) «شناخته می‌شود» (Shuttleworth & Cowie, 2014, pp. 90-91).

۲۰۳

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

۳.۴.۲. ترجمه تفسیری

اصطلاح «ترجمه تفسیری» در این مقاله برای توصیف مواردی به کار می‌رود که ترجمه لغات قرآنی از معنای لفظی آن‌ها فراتر می‌رود. در این موارد، معادل‌های گزیده شده محدود به تعاریف اصلی لغات آن گونه که در فرهنگ‌ها نقل می‌شود نیست، بلکه تحت تأثیر باورهای شخصی او و اصول اعتقادی آن شاخه خاص از اسلام است که بدان گرویده بوده. به بیان دیگر، در این موارد مترجم بیش از آن که مترجم باشد، مفسرگونه عمل می‌کند.

نمونه‌ای از این دست را می‌توان در آیه ۲:۵۵ یافت، آن‌جا که «فَاخَذَتْكُمْ الصَّاعِقَةُ» به «و بگرفت شما را عذاب مرگ» (برگ ۸ ر) ترجمه شده است. در این‌جا، «عذاب مرگ» معادل صاعقه قرار گرفته و روشن است که این ترجمه از معنای متعارف واژه فاصله می‌گیرد.

نمونه‌ای دیگر در ترجمه آیه ۱۰۴ همین سوره دیده می‌شود، آن‌جا که راعنا به «گفتار بد» (برگ ۱۲ پ) ترجمه شده است. جستجوی بیشتر نشان می‌دهد که این ترجمه تحت تأثیر توضیحاتی بوده که در تفاسیر قرآنی آمده است. برای نمونه، ابوالفتح رازی (۱۳۷۱، ج ۲، ص ۹۰) در روض الجنان و روح الجنان می‌نویسد که «مسلمانان به نزدیک رسول آمدندی و گفتندی: "یا رسول الله! رَاعِنَا [یعنی: ما را مراعات کن و ما را پای دار و گوش به ما و حدیث ما دار]". و این لفظ [= رَاعِنَا]

به لغت جهودان دشنام بود.^۱ به نظر می‌رسد این عنصر برای مترجمان به‌ویژه دشوار بوده، تا بدان جا که در ترجمه قرآن به فرمان نادرشاه (Supplément Persan 1779, p. 7r)، مترجم راهکار «ترجمه صفر» (یعنی ترجمه نکردن) را برگزیده و در عوض، توضیحی، شاید برای توجیه همین راهکار، در حاشیه افزوده است (تصویر ۵):



تصویر ۵: Supplément Persan 1779، کتابخانه ملی فرانسه، بخش نسخ خطی، ص ۷ر

۲۰۴

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

نمونه‌ای دیگر از ترجمه تفسیری را می‌توان در برگردان عبارت «لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ» (قرآن، ۵:۱۱۶) دید:

وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ (قرآن، ۵:۱۱۶)

ندانم آنچه در علم غیب وحدانیت تو خدای است. (برگ ۷۳ر)

در این جا، مترجم نفْس را به «علم غیب وحدانیت» ترجمه کرده، به احتمال زیاد برای پرهیز از مسئله تجسیم. این برداشت با، مثلاً، توضیح فخرالدین رازی (۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۴۶۶) همخوانی دارد که می‌گوید: «فيه مسألتان ... المسألة الثانية: تمسكت المجسمة بهذه الآية وقالوا: النفس هو الشخص وذلك يقتضي كونه تعالى جسماً».

نمونه‌های موازی از ترجمه‌های ضدتجسیمی را می‌توان در ترجمه‌های یهودی-فارسی کهن کتاب مقدس عبری نیز یافت؛ برای نمونه، آن جا که کتاب مقدس واژه «נֶפֶשׁ» صورت «خداوند را به کار

۱. نیز قس. «این راعنا اندر لغت عرب سخنی نیکو بودی یکی مریکی را کفتی دَر مَن نُبُوش هوش سوی من دار تا جی کویم ترا» (تفسیر قرآن پاک، ۱۳۴۴، صص ۴۷-۴۸).

می‌برد، ترجمه فارسی שכירה «سکینه [= حضور]» را به دست می‌دهد. (Shaked, 2008, p. 234). مشابه با این، ترجمه یونانی ἡμεῖς کتاب مقدس («صورت» خداوند) به δόξα است (اعداد ۱۲:۸؛ Tov, 1999, p. 267). شیوه عکس آن را نیز در ترجمه کتاب‌های مقدس می‌توان سراغ گرفت؛ برای نمونه، در ترجمه آرامی عهد عتیق، توصیفات انتزاعی یا کم‌تر ملموس خداوند در متن اصلی کتاب مقدس، با تصاویری ملموس‌تر بازگردانده شده و همین امر به تصویرهایی تجسیم‌گراتر دامن می‌زند. این رویکرد در اشاره به خداوند به عنوان پدر اسرائیل، یا دارنده «دو» دست (در حالی که متن مبدأ تنها به «دست‌ها» اشاره دارد) آشکار است. (Levine, 1988, pp. 48-49) تأثیر نظام باور دینی مترجم بر فرایند ترجمه، در افزوده‌های مترجم نیز، که در بخش بعدی بدان پرداخته می‌شود، آشکار است.

۳.۴.۳. افزوده‌های مترجم

برخی واژه‌ها و عبارات در بخش‌های ترجمه شده را باید افزوده‌های خود مترجم دانست، چرا که معادلی در متن اصلی قرآن ندارند. این افزوده‌ها به احتمال زیاد زیر تأثیر تفاسیر قرآنی یا باورهای دینی مترجم بوده‌اند. عبارت زیر بینشی سودمند درباره زمینه دینی مترجم به دست می‌دهد:

قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ (قرآن، ۷:۱۴۳)

گفت هرگز نبینی مرا در این جهان، ولیکن بنگر سوی کوه. (برگ ۹۵ پ)

در این جا، عبارت افزوده «در این جهان» نشان می‌دهد که مترجم به احتمال زیاد پیرو کلام اشعری بوده که بر این باور است که رؤیت خداوند در آخرت ممکن است. در برابر آن، کلام معتزلی (نک. عبدالجبار، ۱۹۶۵، صص ۲۳۲-۲۶۰) امکان دیدن خداوند را، هم در این جهان و هم در جهان دیگر، منکر می‌شود. افزوده مترجم بر امکان دیدن خداوند تأکید می‌کند و بدین سان با دیدگاه کلامی او همسو است.

آنچه در پی می‌آید گزیده‌ای است از نمونه‌های مشابه^۱:

۱. ثُمَّ أَسْتَوِي إِلَى السَّمَاءِ (قرآن، ۲:۲۹)

۲... آسمان را به قدرت (برگ ۶ پ)

۱. افزوده‌ها به صورت سیاه (بولد) مشخص شده‌اند.

۲. این بخش از دست‌نویس محو شده و ناخوانا است.

در سوره فصّلت (آیه ۱۱)، آن جا که همین عبارت بار دیگر تکرار می‌شود، بدون آن افزوده «به قدرت»، اما با افزودن عنصر تفسیری دیگری - «آفریدن» - در ترجمه‌ی الی، به صورت «آنگه قصد کرد فرا آفریدن آسمان» (برگ ۲۶۲ ر) برگردانده شده است (برای توجیه احتمالی این ناهم‌سانی، نک. نتیجه‌گیری).

۲. فَإِنْ تَنْزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ (قرآن، ۴:۵۹)

اگر به خلاف افتید اندر چیزی، بازه‌لید آن را سوی خدای و پیامبر و به کتاب و سنت بازشوید. (برگ ۵۱ پ)

این ترجمه به روشنی نشان می‌دهد که مترجم به احتمال زیاد سنی مذهب بوده و بر قرآن و سنت، به عنوان منابع اقتدار، تأکید می‌ورزد.

۳. أَلَا أَنْ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (قرآن، ۱۰:۹۱)

جبرئیل گفت وی را: اکنون ایمان آوردی، نافرمان بودی پیش از این. (برگ ۲۱ پ)

۳.۴.۴. بیش‌ترجمه

در چند مورد، شیوه ترجمه لفظ به لفظ برگزیده کنار گذاشته می‌شود و مترجم بیش از یک واژه برای یک اصطلاح قرآنی به کار می‌برد. این موارد اغلب دو لغت مترادفند که در اغلب آن‌ها عنصر نخست عربی تبار و عنصر دوم معمولاً فارسی تبار است؛ مثلاً «حجّت‌ها و روشنی‌ها» (ترجمه البیتات) (برگ ۲۶ پ) و «بیدادکنان و کافران» (ترجمه ظالمین) (برگ‌های ۲۵ پ، ۶۰ ر). در مواردی، هر دو فارسی است، چنانکه در ترجمه متّقین به «پرهیزکاران و ترس‌کاران» (برگ ۹ ر).

در برخی موارد، مترجم به جای برابری صوری، واژه‌ها یا عبارات را در قالب‌هایی گسترده‌تر ترجمه می‌کند. برای نمونه، «قَوْمِ الصّٰلِحِيْنَ» (قرآن، ۵:۸۴) به «گروهی که نیکان باشند» (برگ ۷۰ ر) برگردانده شده، در حالی که برابر صوری آن «گروه نیکان» می‌بود. به همین سان، «بد چیزی است که بدان بازشوند» (ترجمه بئس المصیر) (برگ ۴۲ پ) و «آنان که کتاب‌های خدای دارند» (ترجمه اهل الکتاب) (برگ ۴۵ پ) نیز از همین دست هستند.

این جفت‌ها در ترجمه مایک مرحله‌ای میانی را در سیر کلی ترجمه قرآن بازمی‌نماید. در حالی که در کهن‌ترین ترجمه‌های فارسی سعی شده هر لغت عربی با لغت فارسی برگردانده شود، این کوشش با گذشت زمان و با فراگیرتر شدن لغات عربی در فارسی، کاستی می‌گیرد. این گرایش با گذر زمان ضعیف می‌شود تا اینکه نهایتاً تا دوره صفوی معمولاً دیگر نشانی از چنین گرایش‌های ترجمه‌ای دیده نمی‌شود. کاربرد این جفت‌ها در این ترجمه، از این رو، با تاریخ این دست‌نویس، که مقارن با دوران حمله مغول است، همخوانی دارد.

۳.۴.۵. «خطاهای واضحاً غلط»

بررسی تطبیقی این ترجمه با متن قرآن، در کنار مقایسه با دیگر ترجمه‌های فارسی نو متقدم قرآن، چند مورد از برگردان‌های نادرست یا نادقیق را آشکار می‌سازد. برخی از این نادرستی‌ها را می‌توان به پای بندی کورکورانه به ساختارهای عربی نسبت داد. برای نمونه، «يَرْعَبُ عَنْ» (قرآن، ۲:۱۳۰) به صورت «خواهد» (برگ ۱۴ پ) ترجمه شده، بی‌آن که نقش عَنْ، که معنای رغب را دگرگون می‌کند، لحاظ شده باشد. چنان که ابوالفتح رازی (۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۷۴) توضیح داده است، «رَغَبٌ فِيهِ ضِدُّ آن باشد که رَغَبٌ عَنْهُ؛ رَغَبٌ فِيهِ "خواست" و رَغَبٌ عَنْهُ "نخواست و دور شد از او"»^۱.

در نمونه‌ای دیگر، الله در عبارت «مَنْ يَلْعَنِ اللَّهَ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا» (قرآن، ۴:۵۲) اشتباهاً مفعول جمله انگاشته شده و ترجمه‌ای نادرست پدید آمده: «هر که نفرین کند خدای را، نیابی وی را یارمندی» (برگ ۵۱)، حال آن که الله در واقع فاعل جمله است.

افزون بر این، مترجم در مواردی نیز متن مبدأ را نادرست خوانده است. برای نمونه، «قَضَيْنَا» (قرآن، ۳۴:۱۴) به احتمال زیاد با «فَضَّلْنَا» اشتباه گرفته شده و ترجمه نادرست «فضل کردیم» (برگ ۲۳۷ ر) پدید آمده است.

۴. نتیجه‌گیری

نسخه هدائی افندی، دست‌نویس شماره ۲۰، مورخ ۶۲۱ق، یکی از کهن‌ترین ترجمه‌های خالص و کامل تاریخ دار قرآن به فارسی به‌شمار می‌آید. این پژوهش به معرفی این دست‌نویس و ارائه تحلیل‌های متنی و ترجمه‌ای پرداخته است. ویژگی‌های زبانی این ترجمه در وهله نخست با

۱. رغب کردن + حرف اضافه از، به معنی «روی برتافتن از»، که در برخی متون فارسی نو متقدم به کار رفته، به احتمال قوی بر گرده رغب عَنْ ساخته شده است.

زبان قدیم مرکز ایران پیوند دارد، هرچند برخی عناصر لغوی بازتاب‌دهنده تأثیرپذیری از دیگر نواحی ایران است. در نوشته دیگری (Bigdeloo, 2022) به بررسی همین عناصر واژگانی گویشی پرداختم و به این نتیجه رسیدم که ویژگی‌های گویشی یک پنجم نخست ترجمه به گویش مرکزی فارسی نو متقدم تعلق دارد. در برابر، بخش‌های باقی‌مانده، ویژگی‌های گویش خراسان بزرگ را، آمیخته با ویژگی‌های فارسی نو متعارف‌تر، نشان می‌دهند. این ناهم‌سانی‌های سبکی و گویشی، احتمال وجود سرقت‌های ادبی را در این ترجمه تقویت می‌کند. مقایسه بیشتر با دیگر ترجمه‌های خراسانی فارسی نو متقدم قرآن، این یافته‌ها را تأیید کرد و بخش‌هایی را آشکار ساخت که از دو ترجمه-تفسیر کهن تاج التراجم و ترجمه تفسیر طبری سرقت شده‌اند.^۱

از منظر آوایی، این متن صورت‌های غیرمتعارفی را آشکار می‌سازد که به احتمال زیاد بازتاب‌دهنده زمان و منطقه مترجمند. از منظر ترجمه‌ای نیز، این دست‌نویس در غالب موارد شیوه‌ای لفظ به لفظ را پی می‌گیرد و معادل‌های فارسی را درست زیر همتای عربی آن‌ها می‌نهد. با این همه، انحراف‌هایی از این شیوه نیز دیده می‌شود، از جمله بیش ترجمه، جابه‌جایی، و افزوده‌ها - که به احتمال زیاد تحت تأثیر تفاسیر قرآنی یا باورهای شخصی مترجم بوده‌اند.

وجود ترجمه‌های نادرست یا نادقیق نشان می‌دهد که مترجم شاید فهم ظریف و دقیق از عربی نداشته و این امرگاه به خطا در درک عبارات انجامیده است. با وجود این کاستی‌ها، نسخه هدائی افندی دریچه‌ای است به شیوه‌های زبانی و فرهنگی و ترجمه‌ای ایران سده هفتم هجری و از این رو، منبعی مهم برای پژوهش‌های آینده به شمار می‌آید.

۱. چون نگارنده این موضوع را در جای دیگر بررسی کرده، در این جا همه جزئیات را بازمی‌گوید. همین قدر بسنده است که یادآوری شود مترجم مورد بحث، تاج التراجم را پی می‌گیرد، حتی در مواردی که این اثر خود ترجمه‌ای تفسیری به دست می‌دهد یا عناصر توضیحی می‌افزاید. برای نمونه، «سلطاناً نصیراً» (۱۷:۸۰) در هر دو اثر، به «سلطان ناصر یعنی حجت ظاهر» ترجمه شده، از جمله همان عبارت توضیحی «یعنی حجت ظاهر». به همین سان، «بَاعَيْنِنَا وَ وَحَيْنَا» (۱۱:۳۷) در هر دو اثر به «بر هیأت سینۀ مرغ» ترجمه شده است. اگرچه برخی ترجیح می‌دهند از این اصطلاح پرهیز کنند، دیگران وقوع آن را به شیوه‌های گوناگون بازشناخته‌اند. برای نمونه، امیدسالار (۱۳۸۱، صص ۳۸۶-۳۸۸)، هنگام رویارویی با موارد آشکار سرقت ادبی - مانند «اگر زبان طوطی خشک کنند و خرد بسایند و کودک بخورد، فصیح زبان و دانا شود» - «اگر زبان طوطی را خشک کند و خرد بساید و به کودک دهد تا بخورد، فصیح زبان و دانا شود» - این موارد را با «عبارتی را بی‌کم و کاست نقل کردن بدون ذکر منبع خود» یا «اقتباس کردن» معرفی کرده و «سرقت ادبی» را صرفاً به مواردی محدود اطلاق کرده است که کل یک اثر سرقت شده باشد (ص ۳۸۹). با توجه به گستره معنایی وسیع اصطلاح «سرقت ادبی»، به کارگیری چنین تعریف محدودی ظاهراً موجه است.

منابع

- ابن الندیم، [محمد بن اسحق] (۱۳۹۸ق). الفهرست. دارالمعرفة للطباعة و النشر.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزاعی (۱۳۷۱). روض الجنان و روح الجنان (محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مصححان). بنیاد پژوهش‌های اسلامی. افشار، ایرج (۱۳۸۸ الف). تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۶۳). بخارا، ۷۱، ۱۳۳-۷۵.
- افشار، ایرج (۱۳۸۸ ب). تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۶۴). بخارا، ۷۲، ۱۴۱-۸۲.
- امیدسالار، محمود (۱۳۸۱). جستارهای شاهنامه‌شناسی و مباحث ادبی. بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- بادی، احمد بن حسین (۱۳۹۷). الملخص فی اللغة (غلامرضا دادخواه و عباس گودرزی، مصححان). بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- بیگدلو، میلاد (۱۴۰۳). نوشتگان (۱۰). آینه پژوهش، ۳۵ (۵) [=پیاپی ۲۰۹]، ۳۶۳-۳۷۳.
- بیگدلو، میلاد (گردآوری و تألیف و ترجمه) (۱۴۰۴). فارسی یهودی متقدم: گزیده مقالات زبانی و لغوی. بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- تفسیر قرآن پاک: قطعه‌ای از تفسیر بی‌نام به فارسی (چاپ عکسی [۱۳۴۴]) تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جعفری تبار، محمدحسین و حاجیان‌نژاد، علیرضا (۱۴۰۲). معرفی مصحف مترجم هدائی افندی (ش ۲۰): بررسی نکاتی در اختلاف قرائات. ادب فارسی، ۱۱۳ (۱)، ۳۵-۶۷.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۹۷). درباره قرآن زعفرانی. در آیین رونمایی و معرفی نسخه قرآن زعفرانی با ترجمه فارسی کهن، کاتب: ابوالفخر بن ابی‌الفضل الزعفرانی، مؤرخ ۵۴۶ هجری قمری محفوظ در گنجینه موزه رضا عباسی، تهران. برگرفته از: <https://academia.edu/resource/work/38032359>
- عبدالجبار بن أحمد (۱۹۶۵). شرح الأصول الخمسة (عبدالکریم عثمان، مصحح). مکتبه وهبة.
- الفخر الرازی (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر. دار إحياء التراث العربی.
- کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۸). قرآن مترجم زعفرانی مؤرخ ۵۴۶ هجری قمری در ری: کهن‌ترین نسخه قرآنی کامل، تاریخ‌دار و حاوی ترجمه فارسی. ترجمان وحی، ۴۶، ۱۲۱-۵۲.
- Abdulla, A. K. (2021). *Translation in the Arab world: The Abbasid golden age*. Routledge.
- Aejmelaeus, A. (2013). The Septuagint and oral translation. In M. K. H. Peters (Ed.), *XIV Congress of the IOSCS, Helsinki, 2010* (pp. 5-13). Society of Biblical Literature.
- Amos, F. R. (1920). *Early theories of translation*. Columbia University Press.
- Bigdeloo, M. (2022). A linguistic method for identifying plagiarism in Persian retranslations. In F. Parham (Ed.), *Proceedings of the 1st RITS International Conference: Cutting-Edge Trends in Translation and Interpreting Studies* (p. 13). Research Institute for Translation Studies.
- Blair, S. (1998). *Islamic manuscripts*. Edinburgh University Press.

- Cheung, M. P. Y. (2014). *An anthology of Chinese discourse on translation*. Routledge.
- Filippone, E. (2011). The language of the *Qor'ān-e Qods* and its Sistanic dialectal background. In M. Maggi & P. Orsatti (Eds.), *The Persian language in history* (pp. 179-235). Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Gindin, T. E. (2007). *Ezekiel in Early Judaeo-Persian* (Vol. 1: Text, Vol. 2: Translation, Vol. 3: Commentary). Austrian Academy of Sciences Press.
- Humbach, H. (1974). Aramaeo-Pahlavi and Pahlavi. In *Hommage-Universel* (Vol. II, pp. 237-244). E. J. Brill (diffusion) & Bibliothèque Pahlavi.
- Joosten, J. (2007). Language as symptom: Linguistic clues to the social background of the Seventy. *Textus*, 23, 69-80.
- Josephson, J. (1997). *The Pahlavi translation technique as illustrated by Hōm Yašt*. Acta Universitatis Upsaliensis.
- Levine, E. (1988). *The Aramaic version of the Bible*. Walter de Gruyter.
- Macuch, M. (2009). Pahlavi literature. In R. E. Emmerick & M. Macuch (Eds.), *A history of Persian literature, Volume XVII: The literature of pre-Islamic Iran* (pp. 116-190). I. B. Tauris & Co. Ltd.
- Metzger, B. M. (1974). Early Arabic versions of the New Testament. In M. Black & W. A. Smalley (Eds.), *On language, culture, and religion: In honor of Eugene A. Nida* (pp. 157-168). Mouton.
- Metzger, B. M. (1977). *The early versions of the New Testament: Their origin, transmission, and limitations* (SVI). Oxford University Press.
- Minorsky, V. (1942). Some early documents in Persian (I). *Journal of the Royal Asiatic Society*, 3, 181-194.
- Shaked, S. (2008). New Early Judeo-Persian finds. In S. Shaked & A. Netzer (Eds.), *Irano-Judaica VI: Studies relating to Jewish contacts with Persian culture throughout the ages* (pp. 222-252). Ben-Zvi Institute.
- Shuttleworth, M., & Cowie, M. (2014). *Dictionary of translation studies*. Routledge.
- Tov, E. (1999). *The Greek and Hebrew Bible: Collected essays on the Septuagint*. Brill.